



جرم شناختی حریم خصوصی اماکن و اشخاص

تالیف:

سونیا چقامیرزا

انتشارات قانون یار

۱۳۹۵

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه
۱۱.....	بخش اول
۱۱.....	کلیات و تاریخچه بحث
۸۳.....	بخش دوم
۸۳.....	محدود ساختن قلمرو حریم خصوصی به موجب قانون
۱۰۷.....	بخش سوم
۱۰۷.....	مصادیق حریم خصوصی و جرم انگاری در این راستا
۱۲۹.....	بخش چهارم
۱۲۹.....	بررسی حقوقی و جزایی حریم خصوصی اماکن و اشیاء
۲۰۵.....	منابع و مآخذ

مقدمه

بررسی اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نشانگر اینست که عبارت «حریم خصوصی» در هیچیک از اصول قانون اساسی به صراحت ذکر نشده است اما به طور کلی در مواردی حق بر حریم خصوصی در این قانون به رسمیت شناخته شده است. این حق را می توان در چند اصل مشاهده کرد. اصل ۲۲ مقرر می دارد: « حیثیت ، جان، مال ، حقوق ، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.» این اصل به وضوح از حریم خصوصی جسمانی ، منازل و اماکن شخص حمایت می کند و از عبارت « حیثیت» در این اصل می توان به حمایت از اسرار شخص حکم کرد. گر چه حمایت از حیثیت و حمایت از حریم خصوصی اطلاعاتی علیرغم داشتن محدوده مشترک، می توانند در مواردی متمایز از هم باشند، بنابراین رابطه میان آنها رابطه عموم و خصوص من وجه است.

اصل ۲۳ قانون اساسی مقرر می دارد: «تفتیش عقاید ممنوع و هیچکس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مؤاخذة قرار داد.»

آزادی عقیده عبارت از این است که افراد بتوانند ، به انتخاب خود، در هر زمینه ای اشتغال ذهنی داشته باشند ، خواه این اشتغال امری باطنی و درونی و خواه بصورت موضعگیری عمومی باشد؛ یعنی آنکه هرکس بتواند، به دور از هر تحمیل و فشاری ، بیندیشد و بدون ترس ، باور خود را بیان نماید.^۱

با وجود آنکه آزادی عقیده به عنوان یک حق طبیعی مسلم قابل درک است ، ولی دارای آنچنان تبعات فردی، اجتماعی ، سیاسی، اخلاقی و ارزشی است که هم در عالم واقع، مواجه به برخوردهای متفاوت است و هم اینکه در نظام های سیاسی و حقوقی برای انتظام آن تدابیری اتخاذ شده است.

به عنوان مثال ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می دارد: « هرکس حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره مند شود . این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن اظهار عقیده و ایمان و نیز شامل آزادی تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی

^۱ - Jacques Robert: Droit de l'homme et libertes fondamentales, p۵۲۸

می باشد. هرکس می تواند از این حقوق منفرداً یا مجتمعاً به طور خصوصی و عمومی برخوردار باشد.»

و یا براساس ماده ۱۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی:

« ۱- هرکس حق آزادی فکر، وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی داشتن یا نداشتن قبول یک مذهب یا معتقدات، به انتخاب خود، همچنین آزادی ابراز مذهب یا اعتقادات خود، خواه به طور فردی یا جمعی، خواه به طور علنی یا در خفا، آزادی در عبادت و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی.

۲- هیچکس نباید مورد اکراه واقع شود که به آزادی او در داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خودش، لطمه وارد آورد.

۳- آزادی ابراز مذهب یا اعتقادات را نمی توان تابع محدودیت هایی نمود، مگر آنچه منحصراً بموجب قانون پیش بینی شده و برای حمایت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی های اساسی دیگران ضرورت داشته باشد.» دولت ایران به موجب قانون مصوب ۱۳۵۴/۲/۱۷ به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ملحق شده است، مفاد ماده ۱۸ آن به عنوان منبع داخلی اصلی آزادی عقیده، در کنار اصل مذکور قابل بررسی است.

همچنین اعلامیه امحاء تمامی اشکال نابردباری و تبعیض مذهبی سند خاص حمایت از آزادی عقیده می باشد که طی قطعنامه شماره ۳۶/۵۵ در تاریخ ۲۵ نوامبر ۱۹۸۱ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده است.

در مقدمه این اعلامیه ۸ ماده ای که مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی را مورد اشاره قرار داده، به موضوع دین به عنوان عامل اساسی شناخت زندگی، صلح و عدالت عطف توجه شده است. مفاد این اعلامیه بر حق آزادی فکر، وجدان و دین (ماده ۱)، منع تبعیض و نابردباری مذهبی (ماده ۲ و ۳) و... تکیه دارد.^۲

و نیز اصل ۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین بیان می کند که: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.» اصول ۲۳ و ۳۹ هر کدام به نحوی بیانگر حمایت از

^۱-سید محمد هاشمی، حقوق بشر و آزادیهای اساسی، نشر میزان، تهران، چاپ اول، پائیز، ۱۳۸۴، ص ۳۳۴

داده های شخصی حساس هستند. عقاید مذهبی ، فلسفی و سیاسی از مهمترین داده های شخصی حساس به شمار می روند. و جستجوی غیر قانونی پایگاه های داده و جمع آوری و پردازش داده های مربوط به عقاید شخصی می تواند مؤثرترین و خطرناکترین نوع تفتیش عقاید باشد . اصل ۲۳ را می توان مهمترین اصل قانون اساسی در حمایت از حریم خصوصی اطلاعاتی دانست . داده های شخصی مربوط به سوابق کیفری و همچنین داده های مربوط به پرونده های جاری کیفری، دسته دیگری از داده های حساس به شمار می روند که عبارت عام اصل ۳۹ را می توان ناظر بر این داده ها نیز دانست ، زیرا نقض اصول بکارگیری از داده های مربوط به محکومین و افراد تحت تعقیب می تواند موجب هتک حرمت و حیثیت این افراد شود و ممنوعیت این عمل منحصر به روش و وسیله خاصی نیست . اصل ۲۵ هم در زمینه حریم خصوصی ارتباطاتی بسیار حائز اهمیت است . این اصل مقرر می دارد : « بازرسی و نرساندن نامه ها ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس ، سانسور ، عدم مخابره و نرساندن نامه ها ، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی ، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس ، سانسور ، عدم مخابره و نرساندن آنها ، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون ». به این ترتیب از مجموع اصول مذکور می توان دریافت که قانون اساسی حق بر حریم خصوصی را به رسمیت می شناسد ولی این امر بایستی تصریح شود و در اولین بازنگری قانون اساسی ، تصریح این حق می تواند یکی از محورهای بازنگری باشد ، تا انجام چنین مهمی شورای نگهبان که مرجع تفسیر اصول قانون اساسی است می تواند طی یک تفسیر رسمی از اصول مذکور بر اقسام مهم حق بر حریم خصوصی صحه بگذارد و تا حدودی خلاء موجود را پر کند .

بخش اول

کلیات و تاریخچه بحث

داشتن حریم خصوصی یکی از حقوق اساسی بشر و مرتبط با حفظ مقام انسان و دیگر ارزشهایی است که کرامت انسانی برای ما به ارمغان می آورد. بر پایه این حق یک شخص یا گروه می تواند مسائل شخصی زندگی خود را از دسترسی دیگران دور نگه داشته یا اطلاعات مربوط به خود را تحت کنترل داشته باشد. علاوه بر این توسعه تکنولوژی و پیشرفت بشر، تعرض به حقوق و آزادیهای اشخاص را افزایش داده و متقابلاً برای حمایت بیشتر از آزادیهای شخصی، تکالیف و مسئولیتهای جدیدی بر دوش دولتها قرار گرفته است. تصویب اعلامیه های جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ و تاکید بر کرامت ذاتی انسانها و حق مسلم افراد در داشتن حریم خصوصی و منع دولتها و سایر اشخاص برای مداخله در زندگی خصوصی آنان، سر آغاز تحولات جدید و نوینی در حفظ و رعایت حقوق بشر تلقی گردیده و بر همین اساس اغلب دولتها با تصویب مقررات ملی و منطقه ای در حمایت از حریم خصوصی گامهای جدی برداشته اند.

۱-۱ تعاریف

۱-۱-۱ تعریف حریم خصوصی

با آنکه واژه « حریم خصوصی » در زبان محاوره و نیز در مباحث فلسفی، سیاسی و حقوقی مکرر استعمال می شود ولی هنوز تعریف یا تحلیل واحدی از این اصطلاح ارائه نشده است. مفهوم حریم خصوصی ریشه های عمیقی در مباحث انسان شناختی و جامعه شناختی و میزان ارزش آن در فرهنگ های مختلف دارد.

به طور کلی « حریم خصوصی » یک مفهوم سیال است که معانی مختلفی از جمله آزادی اندیشه، کنترل بر جسم خود، کنترل بر اطلاعات راجع به خود، آزادی از نظارت های دیگران، خلوت و تنهایی، حمایت از حیثیت و اعتبار و حمایت در برابر تفتیش ها و تجسس ها را شامل می شود.

دشواری تعریف حریم خصوصی و تعیین چارچوب ماهوی و صوری آن سبب شده است که برخی نظریه پردازان، هویت مستقلی برای آن قایل نشده و حمایت از آنچه را که

به حریم خصوصی موسوم شده به دیگر حقوق تثبیت شده، احاله دهند. بنابراین امروزه دو رویکرد مختلف در مورد هویت استقلالی حریم خصوصی وجود دارد:

۱- برخی علما با یک نگاه شکاکانه و انتقادی حریم خصوصی را مورد مطالعه قرار داده اند. مهم ترین ادعای این افراد آن است که حقی نسبت به حریم خصوصی وجود ندارد و حریم خصوصی چیز تازه ای نیست و مطلب خاصی هم نمی گوید زیرا، هر نفعی را که به عنوان نفع حاصل از حریم خصوصی مورد حمایت واقع شده است می توان در قالب نفع ها یا حق های دیگر مورد حمایت قرار داد؛ مثلاً حق مالکیت و یا حق بر امنیت جسمی. از این گروه به « تحویل گرایان » یاد می شود.

۲- در مقابل، بسیاری از نظریه پردازان بر این باورند که حریم خصوصی فی نفسه یک مفهوم با ارزش و با معناست. مناقشه های فلسفی اینان درباره تعریف حریم خصوصی در نیمه دوم قرن بیستم برجسته شده و عمیقاً از تحولاتی که در عرصه حمایت حقوقی و قانونی از حریم خصوصی صورت گرفته متأثر شده است. برخی برای دفاع از حریم خصوصی، بر کنترل اطلاعات راجع به افراد تأکید کرده اند، برخی دیگر مفهوم حریم خصوصی را موسع در نظر گرفته و از آن به عنوان دفاع از کرامت انسانی حمایت می کنند، برخی آن را برای حفظ صمیمیت ضروری دانسته اند. سایر مفسرین به این دلیل از حریم خصوصی دفاع کرده اند که آن را برای شکوفایی روابط گوناگون بین اشخاص ضروری می بینند یا آن را به عنوان معیاری دانسته اند که به انسان توانایی می بخشد تا دسترسی دیگران به خود را کنترل کند (گویسن در ۱۹۸۰ و آلن در ۱۹۸۸) یا آن را نه تنها به عنوان وسیله کنترل دسترسی دیگران بلکه وسیله تعالی بیان وافکار شخصی دانسته اند و سرانجام آنکه برخی مؤلفین از ترکیب تعاریف مذکور استفاده کرده اند.

به طور کلی این تعاریف را می توان در شش دسته تقسیم بندی کرد:

۱- حریم خصوصی عبارتست از حق داشتن تنهایی.



۲- حریم خصوصی یعنی دسترسی محدود دیگران به خود و توانایی ایجاد مانع در برابر دسترسی های ناخواسته به شخص.

۳- حریم خصوصی یعنی محرمانگی؛ یعنی پنهان ساختن برخی امور از دیگران.

۴- حریم خصوصی یعنی کنترل بر اطلاعات شخصی.

۵- حریم خصوصی یعنی حمایت از شخصیت و کرامت.

۶- حریم خصوصی یعنی صمیمیت و نزدیکی.

برخی از این تعاریف و برداشت ها برای افاده مفهوم حریم خصوصی به وسیله متوسل شده اند و برخی به هدف. بین این برداشت ها تداخل و هم پوشانی نیز وجود دارد. برای مثال کنترل بر اطلاعات شخصی برابر است با محدود ساختن دسترسی دیگران به انسان. بنابراین، برداشت های مذکور بر اساس اصول خاصی طبقه بندی نشده اند، بلکه گزینش و ارائه آنها در شش دسته صرفاً برای نشان دادن نظریه هایی است که درباره حریم خصوصی ارائه شده است.

به علاوه برخی از این تعاریف در تعیین ماهیت و اهمیت حریم خصوصی مضیق عمل کرده اند و برخی دیگر موسع. برخی مضیق هستند زیرا بعضی از جنبه های زندگی را که نوعاً خصوصی شناخته می شوند در بر نمی گیرند و برخی دیگر موسع هستند زیرا اموری را که نوعاً خصوصی شناخته نمی شوند از شمول تعریف خارج نمی سازند.

همچنین در گذشته توجیه حمایت از حریم خصوصی عمدتاً بر مبنای اصول اخلاقی صورت می گرفت، اما اکنون دو گرایش کلی در برخورد با حریم خصوصی به چشم می خورد:

۱- برداشت های توصیفی از حریم خصوصی: این برداشت ها بیان می دارد که در عمل و واقع چه چیزهایی به عنوان امور خصوصی حمایت شده اند.

۲- برداشت های دستوری از حریم خصوصی: این برداشت ها از ارزش حریم خصوصی و حدود شایسته برای حمایت از آن صحبت می کنند.

در هر یک از برداشت‌های مذکور، برخی متفکرین، حریم خصوصی را «نفع» تلقی می‌کنند برخی دیگر آن را یک «حق» اخلاقی یا قانونی می‌دانند که باید به وسیله قوانین جامع مورد حمایت قرار گیرد.

در اینجا به بررسی برخی تعاریف مشهور از حریم خصوصی می‌پردازیم:

از مضیق‌ترین و اولین تعاریفی که در باب حریم خصوصی ارائه شده است، می‌توان به تعریف نویسندگان مقاله «حق داشتن حریم خصوصی» اشاره کرد که حریم خصوصی را به «حق داشتن تنهایی» تعریف نموده‌اند. علیرغم گستردگی، این تعریف نزدیک به یک قرن مورد استفاده قرار گرفت. در دهه‌های ۱۹۷۰، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ پیشرفت تکنولوژی اطلاعاتی، بررسی‌های بیشتر و عمیق‌تری را در معنای حریم خصوصی موجب شد.^۳

ادوارد بلوستین نقض حریم خصوصی را به عنوان یک اقدام توهین‌آمیز نسبت به شرافت، حیثیت و تمامیت بشری قلمداد می‌کند. به گفته بلوستین: «انسانی که مجبور است تا تمام دقایق زندگی‌اش را در میان دیگران بگذارند و تمامی نیازها، افکار، آرزوها، تمایلات یا خشنودی او تابع نظر عمومی باشد محروم از فردیت خویش و تمامیت و شرافت بشری است، چنین فردی با توده مردم ادغام شده و نظرات او هرگز از نظرات عموم متمایز نمی‌شود، خواسته‌های او شناخته شده بوده و همیشه به چیزهای مورد قبول عموم متمایل است، احساسات او از آنجا که آشکارا ابراز می‌شود کیفیت صمیمت منحصر به فرد شخصی را فاقد بوده و از احساسات تمام انسان‌ها ناشی می‌شود، چنین موجودی گرچه ذی‌شعور و مدرک است ولی موجود مثلی بوده و فرد به شمار نمی‌رود».^۴

^۳ - Carolyn Doyle and Bagaric : The right to Privacy : Appealing but Flawed, International Journal of Human Rights , v.9, No.1, p.6.

^۲ - باقر انصاری، حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی



با وجود این به نظر می‌رسد که توصیف نقض حریم خصوصی به عنوان توهین به شرافت بشری کافی نباشد، زیرا گرچه نقض حریم خصوصی نقض شرافت بشری است اما شرافت فردی ممکن است بدون تجاوز به حریم خصوصی نیز مورد لطمه و صدمه واقع شود. توماس کولی اولین شخصی است که حریم خصوصی را به عنوان «حق داشتن تنها بی»^۵ تعریف میکند. اما این تعریف نیز بسیار ساده و مجمل است.

این توصیف نیز دقیق و واضح نیست و تقریباً شامل همه شکایت‌های قابل تصور و قابل طرح اشخاص می‌شود حال آنکه بسیاری از مصادیق حق تنها ماندن مردم به عنوان نقض حریم خصوصی قابل پذیرش نیست، ملزم ساختن مردم به پرداخت مالیات یا به حضور در ارتش یا مجازات آنها به هنگام ارتکاب جرم نمونه‌های بارزی از مصادیق مذکور هستند.

به اعتقاد آلان وستین چهار مبنا برای حریم خصوصی افراد وجود دارد:

۱- خلوت و تنهایی^۶: در این صورت افراد از جامعه جدا شده و دور از چشم دیگر اشخاص زندگی می‌کنند.

۲- صمیمیت و الفت^۷: گاهی فرد به عنوان بخشی از یک واحد کوچک عمل می‌کند که مایل است تا تنهایی فیزیکی (جسمی) خودش را داشته باشد و در عین حال بتواند یک الفت و رابطه بسیار نزدیک و صمیمی با دو یا چند نفر برقرار کند.

۳- ناشناس ماندن^۸: این وضعیت هنگامی حادث می‌شود که افراد در اماکن عمومی حضور داشته باشند ولی مایل اند که آزادی خودشان را نسبت به عدم مورد شناسایی واقع شدن و نظارت دیگران حفظ کنند. گرچه فرد می‌داند که در خیابان در معرض دید قرار دارد ولی انتظار آن را ندارد که هویتش مشخصاً مورد شناسایی قرار گیرد و به صورت سیستماتیک در معرض مشاهده دیگران واقع شود.

^۱ - همان

^۶ - Solitude

^۲ - Intimacy

^۸ - Anonymity



۴- خویشتن داری^۹: این وضع هنگامی حادث می شود که نیاز افراد به محدود ساختن مخابره اطلاعات مربوط به آنها، به دیگران و به ویژه کسانی که روابط شخصی با آنها دارند مورد حمایت قانون قرار می گیرد.^{۱۰}

وستین تاکید می کند که در یک جامعه آزاد و تابع استثنائات فوق العاده در جهت منافع عموم، اختیار تصمیم گیری نسبت به اینکه چه زمانی و تحت چه شرایطی اطلاعات شخصی برای عموم مردم قابل افشا است باید موقوف به نظر افراد باشد و میگوید حریم خصوصی را باید به این صورت تعریف کرد که: «حق افراد، گروه ها یا مؤسسات نسبت به اینکه برای خویشتن تعیین کنند چه زمانی، چگونه و تا چه اندازه ای اطلاعات مربوط به آنها به دیگران قابل مخابره باشد. در مورد رابطه با اجتماع، حریم خصوصی عبارتست از عدول ارادی و موقتی یک شخص از عموم جامعه با استفاده از وسایل فیزیکی یا روانی، خواه با قراردادن خود در یک وضعیت تنهایی و انزوا و خواه در یک گروه کوچک صمیمانه و خواه در حالت ناشناس ماندن یا خویشتن داری و تحفظ به هنگامی که در مقابل یک گروه بزرگتری قرار میگیرند».

به نظر روت گویسن هنگامی با فقدان حریم خصوصی مواجه هستیم که دیگران بتوانند اطلاعاتی درباره یک فرد به دست آورند، او را مورد توجه خود قرار دهند یا به او دسترسی داشته باشند. وی نتیجه گیری می کند که مفهوم حریم خصوصی متشکل از سه عنصر است که مستقل از یکدیگر ولی مرتبط با هم می باشند:

۱- محرمانه بودن یا سرّیت^{۱۱}: (میزانی که تا آن میزان یک فرد شناخته شده است) هنگامی می توان گفت که یک شخص حریم خصوصی خود را از دست داده است که او قادر نباشد تا مخابره اطلاعات راجع به خویش یا استفاده از آن اطلاعات را که در عرصه عمومی قابل

⁹ - Reserve

^۲ - همان، ص ۹

¹¹ - Secrecy

دسترسی نیست کنترل کند. هرچه تعداد مردمی که از اطلاعات فرد آگاهی پیدا می کنند بیشتر باشد نقض حریم خصوصی وسیع تر خواهد بود.

۲- ناشناس ماندن یا بی نامی^{۱۲}: (میزانی که تا آن حد یک فرد مورد توجه دیگران واقع می شود) افراد هنگامی که مورد توجه دیگران واقع می شوند، حریم خصوصی خود را از دست می دهند. مورد توجه واقع شدن به تنهایی لطمه به حریم خصوصی است هرچند که هیچ نوع اطلاعاتی درباره فرد به دیگران مخابره نشود.

۳- تنهایی و خلوت^{۱۳}: (میزانی که تا آن حد دیگران دسترسی فیزیکی به یک فرد دارند) اگر دیگران دسترسی فیزیکی به افراد داشته باشند آنها حریم خصوصی خود را از دست خواهند داد. زیرا دسترسی فیزیکی نه تنها دیگران را قادر می سازد تا اطلاعاتی درباره یک فرد به دست آورند بلکه این امر «تنهایی مکانی» یک فرد را نیز کاهش می دهد.

در نهایت امر، او حریم خصوصی را چنین تعریف می کند: «میزانی که تا آن میزان ما برای دیگران شناخته شده هستیم، میزانی که تا آن میزان دیگران به ما دسترسی فیزیکی دارند و میزانی که تا آن میزان ما مورد توجه دیگران واقع شده ایم».^{۱۴}

تعریف وی نیز گرچه می تواند انواع تعرضات به حریم را دربرگیرد اما عبارات آن مبهم و موسعد.

ریموند ویکس اعلام می کند که به اعتقاد او گرچه تمرکز کردن بر یک فرد یا ورود به خلوت اشخاص به حق حریم خصوصی آنها لطمه می زند ولی در این اوضاع و احوال توجه ما به حریم خصوصی اشخاص به هنگامی شدید است که او مشغول فعالیت هایی باشد که عادتاً باید خصوصی و شخصی تلقی شوند، لذا به نظر ایشان حمایت اعطا شده توسط قانون به حریم خصوصی باید محدود به اطلاعاتی باشد که به فرد مربوط می شود و به طور معقول و متعارف بتوان پیش بینی کرد که وی آن اطلاعات را به عنوان اطلاعات کاملاً خصوصی یا حساس تلقی

¹² - Anonymity

¹³ - Solitude

¹⁴ همان، ص ۱۰

می کند و لذا در صدد است که جمع آوری، استفاده یا به گردش افتادن آن اطلاعات را، ممنوع و یا دست کم محدود سازد.^{۱۵}

در یک بیان دیگر از حریم خصوصی، این حق یکی از حقوق اساسی و مهم بشر از دیدگاه اسلام و مشتمل بر موارد زیر دانسته شده است:

«۱- حق افراد برای تنها بودن در زندگی خصوصی شان

۲- حق بر مصون بودن از نظارت و دخالت دولتی

۳- حق بر اینکه امور شخصی و خصوصی افراد بدون اجازه شان عمومی نشود

۴- حمایت از اشخاص و مکانهای زندگی آنها از تفتیش و ضبط

۵- حمایت از اطلاعات و افکار از اقرار اجباری به جرم

۶- محق نبودن دولت در زیر نظر داشتن اقتدار خصوصی افراد و حق پنهان نگه داشتن اطلاعات».^{۱۶}

این تقسیم بندی نیز اگرچه تعریف مشخصی از حریم خصوصی ارائه نداده، اما به انواع حریم خصوصی اشاره داشته است.

بطور خلاصه، گاه در تلاش برای تعریف حریم خصوصی، برخی آثار حمایت از این حق را نیز از مصادیق آن شمرده اند. به عنوان مثال گفته شده حریم خصوصی یعنی حمایت از شخصیت و کرامت یا از جمله مصادیق حریم خصوصی، داشتن عقاید و دیدگاههای سیاسی - اجتماعی و وابستگی صنفی و مذهبی عنوان شده یا عدم تعرض به اموال شخصی فرد و احترام به مالکیت وی از مصادیق حریم خصوصی دانسته شده است. این در حالیست که به نظر نگارنده گرچه اصطلاح حریم خصوصی با توجه به فقدان تعریف دقیقی از آن، موسع است و شاید بتوان موارد مذکور را نیز از مصادیق آن بر شمرد، اما باید توجه داشت که موارد یاد شده هر یک موضوع حقوق و آزادی های مستقلی از جمله حق انسان بر حفظ شخصیت، حیثیت و

^۱ - همان، ص ۱۱

^{۱۶} - Mohamed Berween, The Fundamental Human Rights: An Islamic perspective, The International Journal of Human rights, Vol. 6, No. 4, spring 2002, p.72.

کرامت او، آزادی عقیده و مذهب، آزادی عضویت در گروه و یا حق مالکیت می باشد و گنجاندن آنها ذیل مفهوم حریم خصوصی صحیح به نظر نمی رسد .
در مجموع شاید بتوان حریم خصوصی را اینگونه تعریف کرد : محدوده ای از زندگی شخص که توسط قانون و یا عرف تعیین شده به نحوی که دخالت دیگران در آن سبب ورود لطمات معنوی یا روحی به وی گردد.

۱-۱-۲ حمایت کیفری

اگر حقوق کیفری را تنظیم و کنترل مقتدرانه و قهری روابط اجتماعی بدانیم چگونگی و نحوه گزینش قواعد اخلاقی از سوی دولت و حکومت و وارد کردن آنها به قلمرو قوه قهریه به موضوع جرم انگاری مرتبط می شود . تعیین این چگونگی ها ، مبتنی بر معیارها و عناصر بسیار زیادی است . تئوری های مبنایی حاکم بر سیستم حقوقی، سیاست جنایی رویکردهای کلان کیفری مقنن، شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ، میزان اهمیت و تأثیر ارزش اخلاقی مورد بحث، از مهمترین این مؤلفه ها هستند . جمع این مؤلفه ها در هر نظام حقوقی باعث تعریف اصول محوری در جرم انگاری می شود.^{۱۷} نسبی بودن مفاهیم انسانی، متغیر بودن شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشورهای مختلف و گسترش نظریات حقوقی، متفاوت سبب گردیده حکومت ها در تعریف این اصول یکسان عمل نکنند . هیأت حاکمه بدون اینکه خویشان را مجبور به تفکر منطقی و انسانی در مورد این اصول نماید می تواند آن دسته از مبنای فلسفی را برگزیند که منافع وی را تأمین کند و اصول جرم انگاری خود را بر آن مبنای استوار نماید . بنابراین تدوین و اعلام اصول جرم انگاری ، با تبیین رویکردهای کلی حکومت در زمینه حقوق کیفری محورهای جرم انگاری یک جامعه را تعیین می نماید . اخیراً امنیت محوری در برخی کشورها مانند چین، روسیه و آمریکا باعث محدودیت در حقوق فردی و توسعه اختیارات عمومی شده اند . با این حال عموم جوامع غربی علی الخصوص کشورهای

^{۱۷} - فیروزه محمودی جانکی ، حمایت کیفری از اخلاق در علوم جنایی ، انتشارات سمت ، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴،

عضو اتحادیه اروپا محوریت حمایت حقوقی خود را آزادی های فردی قرار می دهند. اما به نظر می رسد ایجاد توازن و تعادل میان حقوق فردی و منافع جمعی باید هدف نهایی تنظیم این اصول باشد.

پروفسور زبیر این اصول را بطور خلاصه در ۶ بند برشمرده که عبارتند از: ^{۱۸}

۱- اصل دقت در تعریف و تبدیل تضمینات حقوق ماهوی به مقررات شکلی در اصل فرعی بودن حقوق کیفری (حقوق کیفری باید آخرین راه حل باشد)

۲- موارد ابهام

۳- اصل شفافیت و عدم ارجاع

۴- اصل تفکیک و تمایز

۵- اصل سوءنیت (عمدی بودن جرایم)

۶- اصل درخواست یا قابل گذشت بودن جرایم

اینکه از حقوق کیفری بایستی تا چه اندازه در حمایت از حریم خصوصی استفاده کرد رابطه ای مستقیم با سیاست کیفری دارد. رویکردهای کلی حاکم بر سیستم حقوقی کشور نیز در تعیین این سیاست ها بسیار اهمیت دارند. این رویکردها نیز به نوبه خود مبتنی بر یافته های تجربی و مباحث بنیادین نظری هستند.

در پژوهش ها و مقالات حقوقی منتشر شده در ایران اصطلاح حمایت کیفری اصطلاح آشنائی است. عناوینی مانند حمایت کیفری از اخلاق، حمایت کیفری از حقوق مصرف کننده، حمایت کیفری از حقوق خانوادگی و نظایر اینها بارها به چشم خورده است. ولی معمولاً تعریفی از این اصطلاح، در این نوشتارها ارائه نمی شود. اما منظور از این اصطلاح چیست؟ می توان حمایت کیفری را اینگونه تعریف کرد: حمایت هایی که قانونگذار جزایی از افراد در قبال نقض قوانین به وسیله تعیین کیفر به عمل می آورد. به عبارتی مجموعه مقررات

^{۱۸} - اولریش، زبیر، جرایم رایانه ای، ترجمه محمد علی نوری، رضا نخجوانی، مصطفی بختیاروند، احمد رحیمی

و قوانین جزایی که حکومت بر اساس یک سری سیاست های خود برای حمایت از موضوعی در نظر گرفته است. این امر نشان می دهد که این موضوع آنقدر در برقراری نظم جامعه مهم بوده که حکومت به ناچار برای حمایت از آن، دست به تدوین قوانین کیفری و تعیین مجازات زده است. در این امر باید ۳ مفهوم رادر نظر داشت:

۱-۲-۱-۱ فلسفه حقوق کیفری

در جایی که قانون موضوعه به هر علت، مقرراتی برای موضوع مورد بحث ندارد، بررسی حمایت کیفری می تواند از منظر فلسفه حقوق کیفری صورت گیرد.^{۱۹} این بررسی به دنبال پاسخگویی به این سؤال خواهد بود که آیا رسالت حقوق کیفری شامل موضوع مورد بحث نیز می شود یا نه؟ آیا بایستی حقوق کیفری در موضوع مورد بحث دخالت داده شود یا نه؟ تبیین و استدلال حقوق کیفری در قضیه مطروحه و میزان اهمیت منفعت مورد بحث در تقابل یا تعامل با منافع دیگر، در تعیین حدود و شیوه دخالت حقوق کیفری موثر خواهد بود، ضمن اینکه در بررسی حمایت کیفری از این منظر، مبانی توجیهی و ضرورت ورود حقوق کیفری به حوزه مورد بحث مشخص می شود. در نهایت چنین نگاهی می بایست به دنبال ارزش گذاری کیفری و تعیین کلیات جرم انگاری باشد.

۱-۲-۱-۲ سیاست کیفری

در مواردیکه قانون موضوعه، مقرراتی راجع به موضوع مورد بحث ندارد ولی در عین حال وضعیت حقوقی کشور، چه به لحاظ رویکردهای مبانی و چه به لحاظ اصول حقوقی، در حالتی است که مبانی توجیهی بحث موجود است یا یک توافق همگانی در ارزش گذاری کیفری در امر مورد نظر وجود دارد.

^{۱۹} - نظیر این معنا در مقاله حمایت کیفری از اخلاق ملاحظه میشود. در این مقاله نویسنده با طرح پرسش های هارت درباره رابطه اخلاق و الزامات کیفری مثل اینکه آیا غیر اخلاقی بودن رفتار بر اساس ملاک های اخلاقی برای توجیه دخالت کیفری کافی است؟ آیا از منظر اخلاقی مجازیم که به زور کیفر اخلاق را اجرا کنیم؟ و ... مفهوم حمایت کیفری از اخلاق را پرسش از تکلیف دولت برای الزام آور کردن قانونی اخلاقیات می داند. فیروزه محمودی جانکی، پیشین، ص



۱-۱-۲-۳ حقوق جزای فنی

در مواردیکه قانون موضوعه مقرراتی در ارزش مورد مطالعه دارد ولی این مقررات تناسبی با نیازها و وضعیت موجود ندارد، بررسی حمایت کیفری از جنبه حقوق فنی چه ماهوی و چه شکلی صورت می‌پذیرد. در این نوع مطالعات، مشکلاتی که در عمل پدید می‌آیند و عمدتاً توسط قضات و وکلا بیان می‌شوند مطرح می‌گردد و پژوهشگران حقوقی بیشتر به مطالعه رویه قضایی برای دریافت آراء مجریان قانون، نظرات وکلا برای دریافت تعارض قانون با حقوق شهروندان و نیز نتایج آماری و انعکاس قانون در جامعه، جهت درک کارآیی عملی قانون می‌پردازند.

۱-۲ پیشینه تاریخی

۱-۲-۱ سیر تاریخی

سیر تاریخی مفهوم «حریم خصوصی» به عنوان حق طبیعی برای افراد انسانی را باید در تحول مفهوم «حق بودن» یا «حق داشتن» جستجو کرد؛ البته «آنچه امروزه به تئوری حق و حقوق بنیادین انسانها مشهور است، بیشتر به معنای دوم (یعنی حق داشتن) است و وجه ممیزه نظام حقوقی اساسی مدرن، تامین حقوق همه شهروندان بویژه آنانی که در اقلیتند، می‌باشد.»^{۲۰}

از لحاظ سابقه تاریخی باید گفت همانگونه که در قسمت ۱-۳-۲ مفصلاً اشاره خواهد شد حمایت از حریم خصوصی در حقوق اسلامی دارای قدمتی به مراتب دیرینه تر از دیگر نظامات حقوقی است اما سیر تاریخی استعمال عبارت «حریم خصوصی» تحت این عنوان خاص را می‌توان در غرب در دو برهه زمانی مجزا بررسی کرد: دوران قبل از رنسانس و دوران بعد از رنسانس.

۱-۲-۱-۱ دوران قبل از رنسانس

^۱ - مارتین پی گلدینگ، حق و مصلحت، ترجمه محمد راسخ، طرح نو، تهران، چاپ اول ۱۳۸۱، ص ۸۷



« به نظر می‌رسد که در واقع مفهوم حق تا اواخر قرون وسطی نقش مهمی در گفتمان سیاسی و اخلاقی ایفا نمی‌کرد و در نظام‌های بزرگ اخلاقی افلاطون و ارسطو و در حقوق باستانی یونان برجسته نبوده و یا در صورت وجود از زمان فیلسوفان یونان تا اواخر قرون وسطی، به سطح خود آگاه نیامده بوده است.»^{۲۱} در روزگار قدیم یونانی - رومی، حریم خصوصی به عنوان امری منفی نگریسته می‌شده است. عزت نفس و کرامت انسانی افراد با منصب اجتماعی و مسئولیت اجتماعی آنها تعیین گردیده و فردی که با کناره‌گیری از اجتماع به قلمرو خصوصی پناه می‌آورده در حد برده‌ای بوده که اساساً فاقد حق شمرده می‌شده است

۲۲

به گونه‌ای که در اثر رواج اندیشه‌های جمع‌گرا که آدمی را جزئی داخل در کل اجتماع می‌پنداشته، دامنه حضور و ظهور وی را محدود و در برابر اهمیت و جایگاه جامعه، شخص را کم‌اهمیت می‌دانستند، که این امر به کم‌رنگ شدن جایگاه فرد و در نتیجه حقوق و آزادی‌های وی منجر می‌شد. به همین علت « توجه به هویت فرد انسانی در یونان و رم باستان شکل نگرفت. فرد انسانی در این دوره به عنوان یک جزء در پی کل نظامات اجتماعی - سیاسی که به صورت دولت - شهر و سپس امپراطوری ظاهر شد، قرار داشت.»^{۲۳} بی‌توجهی به فرد انسانی در پرتو اندیشه جمع، نه تنها به عدم شناسایی حقوق و آزادی‌های وی منجر شده بود بلکه حوزه عملکرد خصوصی او را نیز، تنگ‌تر می‌ساخت. با اینحال یکی از اشارات نخستین به زندگی خصوصی را می‌توان در نوشته‌های فلسفی ارسطو

۱- همان، ص ۱۹۲

22 - Serge Gutwirth, Privacy and Information Age, translated by Raf Casert, Rowman & Littlefield publishers Inc. USA 2002, p.20.

۲- باقر انصاری، حمایت از حریم خصوصی، معاونت پژوهش و تدوین و تقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری،